

The Narrative of Iranian Adolescents and Young Adults of the 12-Day War: A Qualitative Study in the Family Context

Seyyede Fatemeh Mousavi¹

1.Ph.D. in Psychology, Associate Professor, Department of Psychology, Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran. f.mousavi@alzahra.ac.ir

ABSTRACT

Aim: Studying the psychological state of adolescents during war and the impact of military conflict on their mental health is an undeniable necessity. The present study aimed to investigate the effect of military hostilities in the 12-day war imposed by the Zionist regime on Iran on the psychological state of adolescents and young adults within the family context. **Methods:** This descriptive study employed a qualitative approach using content analysis. A total of 24 unmarried adolescents and young adults (age range 15–24 years; mean±SD = 19.33±2.71), primarily residing in Tehran province, participated virtually in a structured interview. Responses were analyzed across six domains: interpretation and perception of war, expression of emotions and psychological/behavioral reactions, coping with one's own reactions and those of others, family reactions, and future evaluation under the influence of war. In total, 23 general categories and 56 subcategories were extracted. **Findings:** Findings indicated that adolescents' perception of war could be examined in three categories: personal interpretation, identity-based, and value-based. Their psychological-behavioral reactions included hypervigilance, mood disturbances, ambivalent emotions, habituation and normalization, and self-resilience. Coping with reactions emerged in three patterns: distancing from reality, active psychological reactions, and spiritual reactions. Families responded through inaction, distancing, anxiety, active reactions, and spiritual responses. Future evaluation was categorized into five themes: self and socially oriented behaviors, unpredictable future, continuation of normal life routines, and perceived negative consequences. **Conclusion:** In conclusion, war as a critical and traumatic phenomenon is interpretable within the national-religious-historical identity context of each culture.

Keywords: Psychological Reactions, 12-Day War, War Stress, Adolescents, Youth.

روایت نوجوانان و جوانان ایرانی از جنگ ۱۲ روزه: مطالعه کیفی در بستر خانواده

سیده فاطمه موسوی 1

1-دکترای روان‌شناسی، دانشیار، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.
f.mousavi@alzahra.ac.ir

چکیده

هدف: مطالعه وضعیت روانی نوجوانان در زمان جنگ و تأثیر درگیری‌های نظامی بر سلامت روان آن‌ها ضرورتی انکارناپذیر دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر درگیری‌های نظامی در جنگ ۱۲ روزه تحمیلی رژیم صهیونیستی با ایران بر وضعیت روانی نوجوانان و جوانان در بستر خانواده انجام شد. **روش:** این مطالعه با روش توصیفی، رویکرد کیفی و تحلیل محتوا صورت گرفت. ۲۴ نوجوان و جوان مجرد (دامنه سنی ۱۵-۲۴ سال، میانگین $\pm$ انحراف استاندارد 19/33 $\pm$ 2/71) عمدتاً ساکن استان تهران، به‌صورت مجازی و از طریق مصاحبه ساختارمند مشارکت کردند. پاسخ‌ها در شش حوزه تحلیل شد: تفسیر و ادراک از جنگ، بروز احساسات و واکنش‌های روانی/رفتاری، مواجهه با واکنش‌های خود و اطرافیان، واکنش خانواده، ارزیابی آینده تحت تأثیر جنگ. در مجموع ۲۳ مقوله کلی و ۵۶ زیرمقوله استخراج شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد ادراک نوجوانان از جنگ در سه دسته تفسیر شخصی، هویت‌محور و ارزشی قابل بررسی است. واکنش‌های روانی-رفتاری آن‌ها شامل گوش‌بزرگی، مشکلات خلقی، هیجانات دوگانه، خوگیری و عادی‌سازی، و خودمقاوم‌سازی بود. مواجهه با واکنش‌ها در سه الگوی فاصله‌گیری از واقعیت، واکنش‌های روانی فعال، و واکنش‌های معنوی ظهور یافت. خانواده‌ها نیز با بی‌کنشی، فاصله‌گیری، اضطراب، واکنش‌های فعال و معنوی پاسخ دادند. ارزیابی آینده نیز در پنج مقوله رفتارهای معطوف‌به‌خود و اجتماع، آینده غیرقابل‌پیش‌بینی، گذران روال عادی زندگی، و پیامدهای منفی دسته‌بندی شد. **نتیجه‌گیری:** در مجموع، جنگ به‌عنوان پدیده‌ای بحرانی و آسیب‌زا، در بافتار هویت ملی-دینی-تاریخی هر فرهنگ تفسیرپذیر است.

کلیدواژه‌ها: واکنش‌های روانی، جنگ ۱۲ روزه، تنش جنگ، نوجوانان، جوانان.

مقدمه

تغییرات نوجوانی سریع و همه‌جانبه است (جورسکا و مک‌کوین^۱، ۲۰۱۵). نوجوانان به دلیل شکل‌نگرفتن مکانیسم‌های دفاعی روانی، به تأثیر عوامل منفی اجتماعی-روانی حساس‌اند. آن‌ها از راهبردهای محیطی استفاده می‌کنند و سبک مقابله‌ای فردی ندارند. در جوانان، الگوهای جستجوی حمایت اجتماعی و رفتار پرخاشگرانه غالب می‌شود. این مرحله، سن گذاری است که رفتار می‌تواند به‌سوی سازگاری یا ناسازگاری سوق یابد؛ از این‌رو نوجوانان نیازمند کمک‌های به‌موقع خارجی هستند تا منابع آنها را تقویت کرده و رفتارهای انعطاف‌پذیر و سازگار اجتماعی را در آنها ترویج دهد. تحقیقات روانشناسی مدرن توجه ویژه‌ای به تأثیر بلندمدت جنگ بر نوجوانان دارد (کلوچکو^۲، ۲۰۲۴).

درگیری‌های نظامی همواره سلامت روان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما نوجوانان آسیب‌پذیرترند. تجربه ترومای جنگی، فقدان عزیزان، بی‌ثباتی و عدم اطمینان از آینده، می‌تواند اختلالات روانی عمیقی ایجاد کند. شواهد نشان می‌دهد جنگ ساختار اجتماعی و انسجام جامعه را تخریب و فروپاشی خانواده را سبب می‌شود (مینوی و شمی‌کاینا^۳، ۲۰۱۴؛ وسلز^۴، ۲۰۱۶). کودکان و نوجوانانی که دچار فروپاشی خانواده و جامعه می‌شوند، حمایت اجتماعی خود را از دست داده و در معرض غفلت، سوءاستفاده، خشونت و استثمار قرار می‌گیرند (جوادی^۵ و همکاران، ۲۰۲۰؛ اکسیر و همکاران^۶، ۲۰۲۰). همچنین ممکن است شاهد وحشت، فرار، زخمی‌شدن یا مرگ خانواده‌هایشان باشند که اثر ویرانگری بر رشد، نگرش به جامعه و چشم‌انداز آنان به زندگی دارد (مک‌سود^۷، ۱۹۹۴).

نوجوانان جنگ‌دیده معمولاً از استرس، افسردگی، اختلالات اضطرابی و ازدست‌رفتن حس هویت رنج می‌برند. آن‌ها اغلب در خود فرو می‌روند، خود را منزوی می‌کنند یا به رفتارهای ضداجتماعی روی می‌آورند. این علائم واکنش‌هایی طبیعی به رویدادهای غیرطبیعی هستند (جوشی و آدونیل^۸، ۲۰۰۳). چالش‌های ناشی از جنگ، احساس خستگی، ناتوانی، اضطراب و خشم را برمی‌انگیزد (استولیاریچوک^۹ و همکاران، ۱۴۰۱). برای نمونه، پژوهشی در اوکراین نشان داد ۷۵ درصد کودکان علائم آسیب روانی دارند و از هر پنج کودک یک نفر دچار اختلال خواب است (گرادوس ریسرچ^{۱۰}، ۲۰۲۴). در غزه، نوجوانان زیر بمباران‌های مکرر، با ترس و اضطراب مداوم زندگی می‌کنند، بی‌خواب و ناامیدند و هیچ احساس امنیتی ندارند و با مشکلات سلامت روان و قطع عضو یا مشکلات ناشی از کم‌آبی، سوءتغذیه، بیماری‌های تنفسی و پوستی دست به گریبانند (جوزور برای سلامت و توسعه اجتماعی^{۱۱}، ۲۰۲۱؛ آلتیویل^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۳؛ یونیسف، ۲۰۲۳؛ وینتور^{۱۳}، ۲۰۲۳).

کودکان آسیب‌دیده بیشتر از بزرگسالان در معرض اختلال استرس پس از سانحه (اکراین‌فرم^{۱۴}، ۲۰۲۲)، با علائم شامل تحریک‌پذیری، بی‌حسی، اجتناب و تجارب مکرر، افسردگی، اختلالات تجزیه‌ای و اختلالات رفتاری قرار دارند (تیتارنکو^{۱۵}، ۲۰۱۸؛ شبانووا^{۱۶}، ۲۰۲۱). با این حال، روانشناسان تأکید می‌کنند نوجوانان صرفاً قربانیان منفعل نیستند؛ آن‌ها اعضای فعال جامعه‌اند که می‌توانند استراتژی‌های بقا ایجاد کنند (دوپوی و پیترز^{۱۷}، ۲۰۱۰)، تاب‌آوری نشان دهند (جونز^{۱۸}، ۲۰۱۳؛ فراری^{۱۹}، ۲۰۱۳) و به افرادی تمام‌عیار تبدیل شوند (کلوچکو، ۱۴۰۳).

¹.Jaworska & MacQueen

².Klochko

³.Minoiu & Shemyakina

⁴.Wessells

⁵.Jawad

⁶.Akseer

⁷.Macksoud

⁸.Joshi & O'Donnell

⁹.Stoliarchuk

¹⁰.Gradus Research نام یک شرکت تحقیقات بازار و نظرسنجی با اصالت اوکراینی است. این شرکت در انجام پژوهش‌های کمی و کیفی، نظرسنجی‌های آنلاین و تحلیل داده‌های

رفتاری فعالیت می‌کند.

¹¹.Juzoor for Healih & Social Development

¹².Altawil

¹³.Wintour

¹⁴.Ukrinform

¹⁵.Titarenko

¹⁶.Shebanova

¹⁷.Dupuy & Peters

باتوجه به افزایش درگیری‌های مسلحانه در جهان و نمونه بارز آن، حمله اخیر رژیم صهیونیستی به ایران، بررسی وضعیت روانی نوجوانان و جوانان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. این مطالعه در نظر دارد روایت نوجوانان و جوانان ایرانی از جنگ ۱۲ روزه تحمیلی را مطالعه و واکنش‌های روانی آنها را نسبت به جنگ مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی و از نظر رویکرد کیفی با استفاده از روش تحلیل محتواست. ابزار مطالعه، مصاحبه ساختارمند است. نمونه پژوهش را 24 نفر از نوجوانان و جوانان در بازه سنی 15-24 سال، با میانگین سنی 19/33 و انحراف استاندارد 2/71 تشکیل می‌دادند که در بازه زمانی جنگ ۱۲ روزه بین ایران-رژیم صهیونیستی از طریق به اشتراک‌گذاری فراخوان در گروه‌های مجازی جهت شرکت در مصاحبه دعوت به همکاری شدند. از بین 24 نفر شرکت‌کننده، 17 نفر دختر و 7 نفر پسر بودند. از نظر سطح تحصیلات، 1 نفر در مقطع متوسطه اول، 7 نفر در مقطع متوسطه دوم، 7 نفر دارای مدرک دیپلم، 9 نفر دانشجوی کارشناسی بودند. از نظر نوع خانواده، دو نفر تک‌والدی و 22 نفر به‌صورت دووالدی بودند. 17 نفر از استان تهران، و مابقی از استان‌های لرستان، قزوین، البرز، خراسان و گیلان بودند.

جدول 1. مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	استان	تعداد همشیر	نوع خانواده
01	دختر	16	متوسطه دوم	تهران	1	دووالدی
02	دختر	18	دیپلم	تهران	۲	دووالدی
03	دختر	18	دیپلم	تهران	۲	دووالدی
04	دختر	18	دیپلم	تهران	۰	دووالدی
05	دختر	18	متوسطه دوم	تهران	۱	دووالدی
06	دختر	18	دیپلم	تهران	اظهاری نشده	دووالدی
07	دختر	24	دانشجوی کارشناسی	تهران	۱	دووالدی
08	دختر	22	دانشجوی کارشناسی	قزوین	0	دووالدی
09	دختر	21	دانشجوی کارشناسی	تهران	۲	تک‌والدی
010	دختر	22	دانشجوی کارشناسی	گیلان	۰	دووالدی
011	دختر	18	دیپلم	تهران	1	دووالدی
012	دختر	16	متوسطه دوم	تهران	1	دووالدی
013	دختر	16	متوسطه دوم	تهران	1	دووالدی
014	پسر	22	دانشجوی کارشناسی	البرز	1	دووالدی
015	پسر	22	دانشجوی کارشناسی	تهران	۱	دووالدی
016	پسر	17	متوسطه دوم	تهران	۱	تک‌والدی
017	پسر	22	دانشجوی کارشناسی	تهران	۱	دووالدی
018	پسر	22	دانشجوی کارشناسی	تهران	۰	دووالدی
019	پسر	18	متوسطه دوم	خراسان	۴	دووالدی
020	دختر	20	دیپلم	لرستان	3	دووالدی
021	دختر	22	دانشجوی کارشناسی	تهران	1	دووالدی
022	پسر	23	دیپلم	تهران	۲	دووالدی
023	دختر	16	متوسطه دوم	تهران	۱	دووالدی
024	دختر	15	متوسطه اول	تهران	4	دووالدی

ابزار سنجش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو بخش بود. بخش نخست، پرسش‌هایی در زمینه متغیرهای جمعیت‌شناختی شامل جنسیت، سن، تحصیلات، شهر و استان محل سکونت، تعداد همشیر، نوع خانواده بود. بخش دوم، مصاحبه‌ای ساختاریافته مشتمل بر سؤالاتی در پنج حوزه اصلی تفسیر و ادراک جنگ، بروز احساسات و واکنش‌های روانی/رفتاری، نحوه مواجهه با واکنش‌های خود و دیگران، اقدامات والدین در قبال واکنش‌های نوجوانان و ارزیابی آینده و برنامه‌های زندگی تحت تأثیر جنگ بود. از جمله سؤالات مصاحبه می‌توان به «از زمان شروع جنگ چه احساسی داشتید؟»، «واکنش روانی یا رفتاری شما به صداهای انفجار یا پدافند هوایی چه بود و چرا؟» و «والدین در برابر

¹⁸.Jones

¹⁹.Ferrari

واکنش‌های شما چه اقداماتی انجام دادند؟» اشاره کرد. سؤالات پس از مرور ادبیات تخصصی و دریافت نظرات چند تن از متخصصان حوزه، اصلاح و نهایی شدند.

روش اجرا و تحلیل

از آنجایی که این مطالعه در بازه جنگ اجرا شد، به دلیل شرایط روز، امکان مصاحبه حضوری وجود نداشت، پس از به اشتراک گذاری اهداف مطالعه در گروه‌های مجازی از نوجوانان و جوانان که در سنین بین ۱۲ تا ۲۴ سال و مجرد (که با والدین خود زندگی می‌کردند) بودند، در بازه زمانی ۱۲ روزه جنگ بین ایران- رژیم صهیونیستی دعوت به همکاری شد، سپس پرسش‌های ساختارمند در اختیار آن‌ها قرار گرفت و پاسخ‌های آن‌ها به صورت مجازی از آن‌ها دریافت و ثبت می‌شد. این نحوه کدگذاری با شکستن داده‌ها از طریق کدگذاری خطبه خط متن‌ها و متعاقباً تجزیه یا گروه‌بندی کدهای اولیه برای تشکیل دسته‌های مفهومی انجام شد. داده‌ها با استفاده از چارچوب کدگذاری مجدداً کدگذاری شدند و مدل مفهومی حاصل از پیوند مقوله‌ها برای تشکیل مسیرها پدیدار شد. چارچوب مطالعه با استفاده از رویکرد پایین به بالا، حول مضامین تولیدشده از داده‌ها ساخته شد که شامل مضامین و مقولات کلی تقسیم‌شده به زیرمقوله بود.

یافته‌ها

۲. درک و تفسیر نوجوانان از پدیده جنگ

ردیف	مقولات	زیرمقولات	نمونه نقل قول‌ها
۱	اضطراب، بلاتکلیفی و احساس درماندگی (تفسیر هیجانی - شخصی)	تشدید اختلالات قبلی و احساس بلاتکلیفی فشار روانی نگرانی از اختلال در زندگی شخصی	«...من از قبل هم اضطراب‌هایی داشتم و این جنگ شرایط را بدتر کرد، الانم فکر نمی‌کنم چیزی تموم شده باشه و هر لحظه منتظرم شروع بشه و این بلاتکلیفی خیلی بده و متأسفانه کاری هم از دستن برنمیاد...» «...جنگ که در کل خوب نیست، بنظرم هیچوقت جنگ فایده‌ای نداشته (در طول تاریخ) چون عده زیادی آدم بی‌گناه کشته میشن و بازمانده‌هایی که می‌مانند هم از نظر روحی و روانی خیلی تحت فشار هستن...» «جنگ نباید اتفاق می‌افتاد بابت عقب افتادن کنکور ناراحتم...»
۲	همبستگی ملی، دفاع از میهن و احساس قدرت (تفسیر هویت‌محور - جمعی)	افتخار به توان نظامی و پاسخ قاطع همبستگی فراجنایی و خنثی‌سازی اهداف دشمن	«...اسرائیل ملعون کار اشتباهی انجام داد و خدا رو شکر ایران توان موشکی خود را به رخ کشید و قدرت خود را نشان داد و اسرائیل را با خاک یکسان کرد...» «فارغ از توان یا عدم توان پیشگیری از وقوع جنگ، همبستگی بی‌نظیری میان ملت و حکومت شکل گرفت و روح تازه‌ای به خود گرفت و اصلی‌ترین هدف دشمن را شکست داد...»
۳	محکومیت اخلاقی جنگ و تقبیح آغازگر (تفسیر ارزشی - ایدئولوژیک)	جنگ تحمیلی و ظلم دشمن جنگ به مثابه نبرد کفر و اسلام	«جنگ چیز خوبی نیست، ولی این جنگ تحمیلیه و دفاع حق علیه باطله و باید تا پای جان، پای آرمان‌های رهبرمان بمانیم و ان شاءالله که پیروز میدان خواهیم بود.» «...جنگ ناگزیری بود که هم جمهوری اسلامی و هم رژیم صهیونیستی سال‌های سال برایش آمادگی کسب می‌کردند. شروع جنگ نیز از طرف اسرائیل بود و ایران آغازکننده نبود و صرفاً پاسخ می‌داد...»

ادراک از پدیده جنگ و وقایع اخیر

همان‌طور که از جدول ۲ مشاهده می‌شود تحلیل روان‌شناختی پاسخ‌های نوجوانان به شناسایی سه مقوله اصلی انجامید که این تنوع نشان می‌دهد که جنگ در لایه‌های مختلف روانی نوجوانان معانی متفاوتی برانگیخته است. برخی از نوجوانان جنگ را عمده‌تاً از منظر تأثیرات هیجانی و روانی بر خود تجربه کرده‌اند و به عبارتی، تفسیری هیجانی- شخصی از جنگ داشتند: یک دختر ۱۶ ساله با اشاره به تشدید مشکلات پیشین خود گفته است: «من از قبل هم اضطراب‌هایی داشتم و این جنگ شرایط را بدتر کرد، الانم فکر نمی‌کنم چیزی تموم شده باشه و هر لحظه منتظرم شروع بشه و این بلاتکلیفی خیلی بده و متأسفانه کاری هم از دستن برنمیاد.»

در این مقوله، فشار روانی ناشی از کشته شدن بی‌گناهان و آسیب به بازماندگان نیز بازتاب داشته است. یک دختر ۲۲ ساله اظهار داشته: «جنگ که در کل خوب نیست، بنظرم هیچوقت جنگ فایده‌ای نداشته (در طول تاریخ) چون عده زیادی آدم بی‌گناه کشته می‌شن و بازمانده‌هایی که می‌مانند هم از نظر روحی و روانی خیلی تحت فشار هستند»، همچنین نگرانی از اختلال در برنامه‌های شخصی، مانند کنکور، در پاسخ دختر ۱۸ ساله دیده می‌شود: «جنگ نباید اتفاق می‌افتاد بابت عقب افتادن کنکور ناراحتم».

در مقابل، گروه دیگری از نوجوانان جنگ را موقعیتی برای نمایش قدرت ملی و همبستگی ارزیابی کرده و تفسیری هویت‌محور-جمعی از پدیده جنگ ارائه کردند: یک دختر ۱۸ ساله با افتخار به توان موشکی ایران اشاره کرده است: «اسرائیل ملعون کار اشتباهی انجام داد و خدا رو شکر ایران توان موشکی خود را به رخ کشید و قدرت خود را نشان داد و اسرائیل را با خاک یکسان کرد». در سطحی عمیق‌تر، یک پسر ۲۲ ساله بر همبستگی بی‌نظیر میان ملت و حکومت تأکید کرده و گفته است: «فارغ از توان یا عدم توان پیشگیری از وقوع جنگ، همبستگی بی‌نظیری میان ملت و حکومت شکل گرفت و روح تازه‌ای به خود گرفت و اصلی‌ترین هدف دشمن را شکست داد».

برخی از پاسخ‌هائیز جنگ را در چارچوب «دفاع حق علیه باطل» و «جنگ تحمیلی» و محکومیت اخلاقی آن معنا کرده و تفسیری ارزشی-ایدئولوژیک از آن ارائه نمودند: یک دختر ۲۲ ساله با بیانی صریح اخلاقی گفته است: «جنگ چیز خوبی نیست، ولی این جنگ تحمیلیه و دفاع حق علیه باطله و باید تا پای جان، پای آرمان‌های رهبران بمانیم و ان‌شالله که پیروز میدان خواهیم بود». در قالبی تحلیلی‌تر، یک پسر ۲۲ ساله این جنگ را ناگزیر و آغازگر آن را اسرائیل دانسته است: «جنگ ناگزیری بود که هم جمهوری اسلامی و هم رژیم صهیونیستی سال‌های سال برایش آمادگی کسب می‌کردند. شروع جنگ نیز از طرف اسرائیل بود و ایران آغازکننده نبود و صرفاً پاسخ می‌داد».

جدول ۳. واکنش روانی-رفتاری به جنگ و انفجارهای رخ داده

ردیف	مقولات	زیرمقولات	نمونه نقل قول‌ها
۱	گوش بزرگی	شب‌بیداری و وارسی اطرافیان	«شبا که نمی‌تونستم بخوابم و پدر و مادر و برادرم رو چک می‌کردم که زنده هستند و حالشون خوبه یا نه...»
		رصد متوالی و افراطی اخبار	«دنبال کردن افراطی و اخبار جنگ واکنشی بود که از طرف خودم پیش آمد و دلیل آن این بود که توانی در تغییر اتفاقات و رویدادها نداشتم. خوابم به شدت بهم ریخته شد و بیش‌تر زمان بیداری را در بررسی اخبار و اتفاقات می‌گذراندم»
۲	بروز مشکلات خلقی	اضطراب-وسواس	«...مدام اخبار تو خونه ما پخش می‌شد، اضطرابم رو زیاد می‌کرد و تا حدی وسواسم هم زیاد شده بود وسواس شستشو...»
		ترس و نگرانی-بروز علائم جسمانی	«.. طبیعتاً ترسیدم.. ولی با قرآن خوندن و دعا کردن برای سربازان وطن سعی کردم به زندگی عادی برگردم و ادامه بدم..»
			«دل‌شوره داشتم، با این حال، موقع شنیدن صدای پدافندهای هوایی مون، تماشا می‌کردم..»
			«در مدت سالی که عمر کردم تا به حال حمله دشمن رو به کشورم ایران ندیده بودم و به خاطر این نگران بودم و تا روزهای اول می‌ترسیدم و با شنیدن هر صدایی تپش قلب می‌گرفتم و هر لحظه آماده بیرون رفتن از خونه بودم..»
			«تو شهر ما به اندازه تهران سر صدی نبود و به اون صورت حس ترس به مردم القا نمی‌شد.. مگر از طریق اخبار اما با این حال صدای شنیدن انفجار یا صدای پدافند ایجاد استرس شدید می‌کرد، به طوری که تصور می‌شد قرار هست خونه ما هم مورد هدف قرار بگیره یا اینکه چقدر وضعیت وخیمه ... مخصوصاً برای افراد حساس با قلب ضعیف که این صداها به خاطر میزان استرس و فشار خونی که بهشون وارد می‌شد، براشون حتی کشنده بود..»
			«در شب اول همه شوکه شده بودند و حتی نمی‌توانستیم تشخیص بدیم که این حملات تا چه زمانی و به چه صورتی ادامه خواهد داشت و این استرس ما چرا را بیش‌تر می‌کرد..»
	وحشت‌زدگی		«.. ترسیدم، زیرا محل حادثه‌ها بسیار نزدیک بود و با هر ضربه خانه‌مان می‌لرزید و رعب و وحشتی را به دل‌هایمان می‌انداخت»
		نگرانی از	«قطعاً احساس خوشایندی نداشتم، نگران دوست‌هام در شهرهای دیگه از جمله تهران بودم»

از دست دادن عزیزان چون در لاهیجان بودم، در طی جنگ و اصلاً صدای هیچ نوع پدافند یا انفجار یا موشک و ... اینجا نبود، هیچ تجربه‌ای در مورد صداش ندارم...»
 «...واکنشی مانند نگرانی و استرس، برای نگرانی اطرافیان و کسانی که در نزدیک مکان‌های اصابت موشک قرار داشتند...»

«... نمی‌ترسیدم، کمی اضطراب چون عزیزهام رو داشتم، اما بعد از شروع حمله ایران احساس غرور و سرافرازی داشتم، معتقدم اگر بعد از شهادت سرداران، ما نمی‌زدیم تحمل این غم خیلی سخت می‌شد...»
 «... احساس ناراحتی از تلفاتی که اتفاق افتاد... احساس عصبانیت و خشم... احساس افتخار از پاسخی که ایران به اسرائیل داد، به همین دلیل نسبت به صدای پدافند احساس خوشحالی و افتخار داشتم...»

«... باتوجه به اینکه روز اول بسیاری از دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان سپاه به شهادت رسیدند، احساس خشم ناشی از غرور ملی جریحه‌دار شده، از یک طرف و ناراحتی از جهت از دست دادن چنین افرادی احساسات غالب بودند...»
 «...طبیعتاً موقع انفجار نگران می‌شدیم و وقتی آمار شهیدان و زخمی‌ها اعلام می‌شدن ناراحت و غمگین می‌شدیم...»

3 هیجانات دوگانه

«... طبیعتاً انسان به‌خاطر نفس خود از مرگ می‌ترسد، اما تفاوت ما با سربازان یا مردم اسرائیل این است که آن‌ها به جهان قیامت اعتقاد ندارند و جایی که جانشان در خطر باشد سریع عقب می‌کشند و می‌ترسند، اما ما شهادت و کشته‌شدن در این راه را افتخار خود می‌دونیم، برای همین موضوع باوجود ترس‌های موقت یا نگرانی‌ها ... سعی می‌کردیم آرام باشیم، دعا بخوانیم و از خدا برای نیروهای دفاعی طلب مقاومت و پیروزی کنیم...»
 «...به دلیل نزدیکی به محل انفجار نیمه‌شب در همان لحظات اولیه حمله از خواب پریدم. روز نخست بسیار روز غم‌انگیز و ناراحت‌کننده‌ای بود. ضربه و صدمات زیادی خوردیم، اما در کل پس از روز اول، حس اطمینان خاطر قلبی داشتم، در برابر صدهای انفجار و پدافند ترس یا اضطرابی نداشتم. خود و خانواده ۴ نفره خود ترسی از بابت جان نداشتیم و نگرانی از باب وطن بود... این عدم اضطراب هم چند دلیل داشت. اولی، پذیرش سرنوشت بود. سپس ترسیدن از مرگ بود. اوج شکوه زندگی هر فرد، مرگش در راه‌های نیکی چون وطن است...»

آمادگی برای هر پیشامد

4 خودمقاوم‌سازی

«من باور داشتم که همیشه حق پیروز است و ایران پیرو راه حق است و این آتش بس موقتی تازه شروع پیروزی‌های ایران است... پدران و مادران ما صدهای بدتر و وضعیت‌های وحشتناک‌تر را تحمل کردند، این صدها و خسارات یک دهم صدهای ۸ سال دفاع مقدس هم همیشه...»

امید و تاب‌آوری

«... از زمان آغاز به‌خاطر اتفاقات روزهای اول احساس ناراحتی و ناامیدی داشتم، ولی رفته‌رفته این احساسم از بین رفت... در ابتدا نسبت به صدهای جدید و کم‌تر شنیده شده احساس ترس داشتم... ولی به مرور زمان سعی در عادت‌دادن خود به چنین صدها (مثل صدای پدافند) داشتم. از همان ابتدا سعی کردم به این صدا عادت کنم که باعث شد این صدها باعث بی‌خوابی من نشود. احساس ترس هم به نظرم طبیعی است. چون صدای بلند و کمتر شنیده‌شده‌ای است...»

ترس ابتدایی و حساسیت‌زدایی

5 خوگیری

«...واکنش خاصی نداشتم نه ترس و نه واهمه‌ای به زندگی عادی خود ادامه می‌دادیم...»
 «...واکنش خاصی نداشتم زیرا از پدافند‌های ایران اطمینان کامل داشته و هراسی ندارم...»
 «صدها شبیه رعد و برق بود هر از گاهی هم صدا خیلی شدید می‌شد، ولی در کل چیز ترسناک یا عجیبی نبود، نمیدونم شاید تأثیر زندگی تو خاورمیانه و خوردن روزانه اخبار جنگ تو منطقه یا شاید هم جو و فیلم‌ها و مطالب امروزی که توشون انفجار و کشتار عادی، باعث شده حس خاصی نداشته باشیم...»

بی‌واکنشی - عادی‌سازی

6 پریشانی ناشی از محرومیت از

«...احساس ناراحتی و عصبانیت بابت تعطیل شدن مراکز ورزشی دارم...»

واکنش روانی-رفتاری نوجوانان و جوانان به جنگ و انفجارهای رخ داده

این بخش در 6 مقوله شامل گوش بزنگی، بروز مشکلات خلقی، هیجانات دوگانه، خودمقاوم‌سازی، خوگیری، ناراحتی از بهم‌خوردن روال زندگی و 16 زیرمقوله مرود تحلیل قرار گرفت.

برای نمونه، در مقوله گوش‌بزنگی، زیر مقوله رصد متوالی و افراطی اخبار، پسر 22 ساله دانشجوی کارشناسی از البرز می‌گوید: «دنبال کردن افراطی و اخبار جنگ واکنشی بود که از طرف خودم پیش آمد و دلیل آن این بود که توانی در تغییر اتفاقات و رویدادها نداشتم. خوابم به شدت بهم ریخته شد و بیش‌تر زمان بیداری را در بررسی اخبار و اتفاقات می‌گذراندم».

بروز مشکلات خلقی در 5 زیرمقوله شامل: اضطراب-وسواس، ترس و نگرانی همراه با بروز علائم جسمانی، احساس استرس، وحشت‌زدگی و نگرانی از از دست دادن عزیزان دسته‌بندی شد.

دختر 16 ساله متوسطه دوم از تهران با ابراز نشانگان وسواس در واکنش به انفجارها می‌گوید: «...مدام اخبار تو خونه ما پخش می‌شد، اضطرابم رو زیاد می‌کرد و تا حدی وسواسم هم زیاد شده بود وسواس شستشو...» و یا دختر 16 ساله، متوسطه دوم از تهران اسلامشهر با ابراز ترس و نگرانی همراه با علائم جسمانی می‌گوید: «در مدت سالی که عمر کردم تابه‌حال حمله دشمن رو به کشورم ایران ندیده بودم و به‌خاطر این نگران بودم و تا روزهای اول می‌ترسیدم و با شنیدن هر صدایی تپش قلب می‌گرفتم و هر لحظه آماده بیرون رفتن از خونه بودم...» همچنین، دختر 22 ساله، دانشجوی کارشناسی از گیلان/لاهیجان با واکنش نگرانی برای عزیزانش می‌گوید: «قطعاً احساس خوشایندی نداشتم، نگران دوست‌هام در شهرهای دیگه از جمله تهران بودم، چون در لاهیجان بودم، در طی جنگ و اصلاً صدای هیچ نوع پدافند یا انفجار یا موشک و ... اینجا نبود، هیچ تجربه‌ای درمورد صداش نداشتم».

ابراز هیجانات دوگانه در 4 زیرمقوله شامل: در اضطراب فقدان عزیزان و غرور، خشم و غم از دست دادن، احساس ترس و افتخار به کشته شدن احتمالی و اندوه از دست دادن و حس آرامش طبقه‌بندی شدند.

دختر 20 ساله دیپلم از لرستان/بروجرد با ابراز اضطراب فقدان و حس غرور ملی می‌گوید «... احساس ناراحتی از تلفاتی که اتفاق افتاد... احساس عصبانیت و خشم... احساس افتخار از پاسخی که ایران به اسرائیل داد، به همین دلیل نسبت به صدای پدافند احساس خوشحالی و افتخار داشتم...» و یا پسر 22 ساله دانشجوی کارشناسی از البرز از خشم همزمان با غم فقدان عزیزان اظهار می‌کند: «... باتوجه به اینکه روز اول بسیاری از دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان سپاه به شهادت رسیدند، احساس خشم ناشی از غرور ملی جریحه‌دار شده، از یک طرف و ناراحتی از جهت از دست دادن چنین افرادی احساسات غالب بودند».

خودمقاوم‌سازی در دو زیرمقوله شامل: آمادگی برای هر پیشامد و امید و تاب‌آوری در پاسخ‌های نوجوانان و جوانان مورد توجه قرار گرفت. برای نمونه، دختر 18 ساله دیپلم از تهران از امید و تاب‌آوری در مورد رخدادهای روزهای جنگ می‌گوید: «من باور داشتم که همیشه حق پیروز است و ایران پیروز راه حق است و این آتش بس موقتی تازه شروع پیروزی‌های ایران است... پدران و مادران ما صداهای بدتر و وضعیت‌های وحشتناک‌تر را تحمل کردند، این صداها و خسارات یک دهم صداهای 8 سال دفاع مقدس هم نمیشه...».

خوگیری با دو زیرمقوله ترس ابتدایی و حساسیت‌زدایی و بی‌واکنشی-عادی‌سازی در پاسخ برخی از نوجوانان ظاهر شد. برای مثال، دختر 15 ساله متوسطه اول از تهران با بی‌واکنشی نسبت به اتفاقات می‌گوید: «صداها شبیه رعد و برق بود، هر ازگاهی هم صدا خیلی شدید می‌شد، ولی درکل چیز ترسناک یا عجیبی نبود، نمیدونم شاید تأثیر زندگی تو خاورمیانه و خوندن روزانه اخبار جنگ تو منطقه یا شاید هم جو و فیلم‌ها و مطالب امروزی که توشون انفجار و کشتار عادی، باعث شده حس خاصی نداشته باشم».

جدول 4. نحوه مواجهه با واکنش‌های خود و اطرافیان

ردیف	مقولات	زیرمقولات	نمونه نقل‌قول‌ها
1	واکنش‌های	آرام‌سازی	«من سعی می‌کردم برادرم رو آرام کنم، اون خیلی حالش بد بود و مامانم هم همین‌طور، به خصوص

روانی فعال	اینکه ما چند روز رفتیم شمال و بابام به خاطر کارش رفت و آمد داشت این خیلی بیشتر به ما اضطراب می داد و من سعی می کردم تکنیک های ریلکسیشن انجام بدم اما خیلی سخت بود.» «...پدر و مادرم تمام تلاششون این بود که فضای خونه رو آرام نگه دارن...» پسر 18 ساله متوسطه دوم از مشهد: «اقدامات مقدماتی و لازمی مانند نفس عمیق و روشن فکری را تمرین می کردم...» «...دعوت اونها به آرامش و صحبت منطقی در کنار همدلی با افراد ترسیده که اتفاقی در نزدیکی ما نمی افتد و امیدواریم همه اینها هرچه زودتر تمام شود...» «...الحمدلله واکنش های نامطلوبی نداشتیم و همه اعضای خانواده با حفظ آرامش در کنار هم بودیم و با هم وطنانمان همدردی می کردیم.» «...سعی می کردم با صحبت کردن توضیح شرایط و اتفاقات و شوخی کردن با اعضای خانواده اونها رو آرام بکنم خودم نترسیدم چون معتقدم شهادت تنها یک روش برای مردن و زمان مرگ رو تغییر نمی ده...» «اقدامی که تا حدودی مؤثر بود، سرزدن به دوستانم تو مسجد محله در زمان نماز مغرب بود...» «...صحبت ها و جلساتی که برای آرام کردن جو ترس در خانه داشتیم و صحبت درباره این که بسیاری از اخبار جعلی است، همه چیز را باور نکنیم، ما قدرت نظامی خوبی داریم و ...» «با توضیح قدرت ایران در راستای موشک سازی و پدافند به آن ها سعی می کنم که آرامشان کنم و سعی دارم که آرامش را به آن ها بازگردانم...» «کتاب خواندم و کمی برهه های خاص و مشابهی از تاریخ را مرور کردم که اطمینان خاطر بیش تری داد.»		به اشتراک گذاری هیجانانگیز و همدلی شوخ طبعی و بذله گویی ارتباط گیری یادآوری توان ملی مرور تاریخ	
۲ فاصله گیری از واقعیت	«...برای حفظ آرامشم، سعی می کردم از اخبار منفی خودم دور کنم...» «...سعی کردم بهشون بگم که مکرراً اخبار رو پیگیری نکنند تا از فضای استرس زا دور بشند...» «خانواده بیشتر از من در معرض گفت و گوهای تلفنی و شنیدن شایعات مختلف از زبان فامیل بودن. مثلاً به خانواده توصیه می کردم فلان شخص به خاطر دنبال کردن چند کانال خبری همیشه مضطرب است و این اضطراب را به شما هم منتقل می کند. سعی می کردم اخبار را به صورت ۲۴ ساعت از تلویزیون دنبال نکنیم و فقط ساعت های خاصی تلویزیون را روشن کنیم.» «... برای نشنیدن صداهای انفجار یا پدافند، آهنگ رو زیاد می کردم...» «... خودم را مشغول درس خواندن کردم...» «...سعی کردم خودمون را با کارهای دیگه سرگرم کنیم» «اقدامات دیگری برای پرت شدن حواس از جنگ نیز انجام دادم، برای مثال تعریف کردن یک پروژه برنامه نویسی و نشستن پای آن که به دلیل ملی شدن اینترنت با چالش مواجه شد و به نتیجه ای نرسید...» «سعی کردم با مشغول شدن با تلغن همراه کار کردن یا تلویزیون دیدن اضطراب خود را کاهش دهم.»		دور شدن از اخبار نادیده گیری و تمرکز بر محرک های دیگر	
3 واکنش های معنوی	«... سعی کردم با قرائت قرآن و عبادت و دعا برای رزمندگان به خودم آرامش بدم...» «... برای رفع استرس مداخلی یا موزیکی که مورد علاقم بود رو برای خودم پخش می کردم و همین طور تسبیح تربتی دارم که با بوییدن اون و استشمام بوی خاک آرام می شدم.»		قرائت ذکر و قرآن شنیدن آواهای مذهبی	
4 آرامش نیابتی	«...خانواده من خیلی آرام بودن و این استرس منو بیش تر می کرد، در صورتی که من دو شبی رفتم بیرون و زندگی جاری مردم رو در سطح شهر دیدم آرام می شدم، به خصوص زمانی که مردم به صداها و نورهایی که در آسمان می بندد بی تفاوت بودند.»		مشاهده روال عادی زندگی	

نحوه مواجهه نوجوانان و جوانان با واکنش های خود و اطرفیان در چهار مقوله شامل: واکنش های روانی فعال (6 زیرمقوله)، فاصله گیری از واقعیت (۲ زیرمقوله)، واکنش های معنوی (۲ زیرمقوله)، آرامش نیابتی (1 زیرمقوله) طبقه بندی شد.

واکنش های روانی فعال در مقولاتی چون آرام سازی، به اشتراک گذاری هیجانانگیز و همدلی، شوخ طبعی و بذله گویی، ارتباط گیری، یادآوری توان ملی و مرور تاریخ دسته بندی شد.

در مقوله واکنش‌های فعال روانی، برای نمونه، دختر 16 ساله متوسطه دوم از تهران از تکنیک‌های آرام‌سازی در مواجهه با هیجانات خود استفاده کرده، می‌گوید: «من سعی می‌کردم برادرم رو آرام کنم، اون خیلی حالش بد بود و مامانم هم همین‌طور، به خصوص اینکه ما چند روز رفتیم شمال و بابام به‌خاطر کارش رفت و آمد داشت این خیلی بیشتر به ما اضطراب می‌داد و من سعی می‌کردم تکنیک‌های ریلکسیشن انجام بدم اما خیلی سخت بود.» یا دختر 20 ساله دیپلم از لرستان ابرو جرد باب هره‌گیری از روحیه طنز و شوخی می‌گوید: «...سعی می‌کردم با صحبت کردن توضیح شرایط و اتفاقات و شوخی کردن با اعضای خانواده اون‌ها رو آرام بکنم خودم نترسیدم چون معتقدم شهادت تنها یک روش برای مردنه و زمان مرگ رو تغییر نمی‌ده...».

دختر 16 ساله متوسطه دوم از تهران با یادآوری توان ملی به اعضای خانواده می‌گوید: «با توضیح قدرت ایران در راستای موشک‌سازی و پدافند به آن‌ها سعی می‌کنم که آرامشان کنم و سعی دارم که آرامش را به آن‌ها بازگردانم...».

فاصله‌گیری از واقعیت در دو زیرمقوله دورشدن از اخبار و نادیده‌گیری و تمرکز بر محرک‌های دیگر مورد توجه قرار گرفت. برای مثال: پسر 22 ساله دانشجوی کارشناسی از تهران (کد 012) با هدف دورنگه‌داشتن خانواده از اخبار می‌گوید: «خانواده بیشتر از من در معرض گفت و گوهای تلفنی و شنیدن شایعات مختلف از زبان فامیل بودن. مثلاً به خانواده توصیه می‌کردم فلان شخص به‌خاطر دنبال کردن چند کانال خبری همیشه مضطرب است و این اضطراب را به شما هم منتقل می‌کند. سعی می‌کردیم اخبار را به صورت ۲۴ ساعت از تلویزیون دنبال نکنیم و فقط ساعت‌های خاصی تلویزیون را روشن کنیم.»

پسر 22 ساله دانشجوی کارشناسی از البرز با اتخاذ مکانیسم تمرکز بر محرک‌های دیگر از مواجهه خود می‌گوید: «اقدامات دیگری برای پرت شدن حواس از جنگ نیز انجام دادم، برای مثال تعریف کردن یک پروژه برنامه‌نویسی و نشستن پای آن که به دلیل ملی شدن اینترنت با چالش مواجه شد و به نتیجه‌ای نرسید...».

واکنش‌های معنوی با دو زیرمقوله قرائت ذکر و قرآن و شنیدن آواهای مذهبی از پاسخ‌های داده‌شده استخراج شد. دختر 18 ساله دیپلم از تهران با قرائت قرآن و ذکر با استرس‌های خود مواجه می‌شود: «...سعی کردم با قرائت قرآن و عبادت و دعا برای رزمندگان به خودم آرامش بدم...» و یا دختر 16 ساله متوسطه دوم از تهران/اسلامشهر با شنیدن آهنگ‌های مذهبی واکنش نشان می‌دهد: «...برای رفع استرسم مداحی یا موزیکی که مورد علاقم بود رو برای خودم پخش می‌کردم و همین‌طور تسبیح تربتی دارم که با بوییدن اون و استشمام بوی خاک آرام می‌شدم.»

دختر 16 ساله دیپلم متوسطه دوم تهران/اسلامشهر نیز با رسیدن به آرامش نیابتی از طریق مشاهده روال عادی زندگی اطرافیان می‌گوید: «...خانواده من خیلی آرام بودن و این استرس منو بیش‌تر می‌کرد، در صورتی که من دو شبی رفتم بیرون و زندگی جاری مردم رو در سطح شهر دیدم آرام می‌شدم، به خصوص زمانی که مردم به صداها و نورهایی که در آسمان می‌بند بی‌تفاوت بودند.»

جدول 5. نحوه مواجهه خانواده با واکنش‌های نوجوانان و جوانان

ردیف	مقولات	زیرمقولات	نمونه نقل قول‌ها
1	واکنش‌های روانی فعال	میل به شفقت و ظرفیت‌سازی برای مهرورزی	«اونام سعی می‌کردن ما رو آرام کنن و به ما دلداری بدن... البته میدونستم خودشون حالشون خوب نیست و جالبه مامانم با من مهربون‌تر شده بود و منم سعی می‌کردم رفتارم رو بهتر کنم و عصبانیت رو کنترل کنم چون واقعاً فکر می‌کردم فرصت کمه و دلم نمی‌خواست آخرین دیدارم باهاشون با دعوا و دلخوری باشه...»
		دعوت به آرامش	«خانواده‌ام سعی می‌کرد آرامش در کانون خانواده رو حفظ کنه...»
		احساس غرور و مباهات	«...آن‌ها از خونسردی و ایمان بالایمان بهمان افتخار کردند...»
		شادنگه‌داشتن فضا	دختر 16 ساله متوسطه دوم از تهران: «...با حرف‌هایم مادرم آرام می‌کردم و پدرم به من افتخار می‌کرد...»
8	شبیه‌سازی با جنگ ساله	شادنگه‌داشتن فضا	«...خونواده تلاش می‌کرد، فضای خونه را آرام نگه دارن و برای شادنگه‌داشتن فضای خونه سعی می‌کردن و با این کارها اطمینان می‌دادن که شرایط بهتر میشه...»
		دلداری دادن	«من خیلی بی‌تفاوت بودم (با خنده) و خانواده در تلاش بودند تا با تعریف اتفاقات زمان کودکی از ۸ سال جنگ من را نسبت به وقایع بیشتر آگاه کنند (یعنی بیشتر بترسم) (باخنده)»
			«...خانواده و والدین من همواره معتقد بودند که نباید ترسیدر پاسخ به نگرانی‌های من همواره در

۲	فاصله گیری از واقعیت	جابجایی مکان	«خانواده برای مواجهه با شرایطی که پیش آمده بود، به خارج از شهر رفتند...»
3	ابراز هیجانات نامطلوب	نگرانی و دلشوره اضطراب	«...اونها هم مثل من نگران بودند، چون مدارک هویتی ام رو تو تهران، تو خوابگاه گذاشته بودم و نگران بودیم شاید اتفاقی بیفته.» «خونوادم بیشتر صحبت می کردن... البته بیشتر از اینکه ما نگران و مضطرب باشیم، والدین مون مضطرب بودن»
4	واکنش های معنوی	ذکر و یاد خدا کردن یادآوری پندهای قرآنی رفتن به مسجد	«... خیلی ریلکس بودند و شاید زیر لب ذکر می فرستادن، اما خیلی آرام بودن برای اینکه خواهر کوچکترم رو آرام کنن... می گفتن قرار نیست اتفاق خاصی بیفته...» «... پدر به استناد به قرآن مطالبی را می فرمود و سعی در بررسی اتفاقات با دید قرآنی داشت و آرامش خاطری را به خانواده می داد.» «خونوادهام با برنامه هایی مثل مسجدرفتن، بیرون رفتن و ... سعی در خوشحال نگه داشتن بچه ها هستند»
5	بی کنشی	بی عملی	«...هیچی والدینم کلاً توجهی به جنگ نداشتند و تغییری هم در روال زندگیشون پیش نیومد...» «فکر کنم چون واکنش خاصی نداشتیم، پس اونام هیچی اقدامی نمی کردن.»

نحوه مواجهه خانواده با واکنش های نوجوانان و جوانان در 5 مقوله شامل: واکنش های روانی فعال، فاصله گیری از واقعیت، ابراز هیجانات نامطلوب، واکنش های معنوی، بی کنشی دسته بندی شدند.

واکنش های روانی فعال در شش زیرمقوله مشتمل بر: میل به شفقت و ظرفیت سازی برای مهرورزی، دعوت به آرامش، احساس غرور و مباهات، شادنگه داشتن فضا، شبیه سازی با جنگ 8 ساله و دلداری دادن طبقه بندی شد.

برای نمونه، دختر 16 ساله متوسطه دوم از تهران در میل به شفقت و ظرفیت سازی برای مهرورزی می گوید: «اونام سعی می کردن ما رو آرام کنن و به ما دلداری بدن... البته میدونستم خودشون حالشون خوب نیست و جالبه مامانم با من مهربون تر شده بود و منم سعی می کردم رفتارم رو بهتر کنم و عصبانیت رو کنترل کنم چون واقعاً فکر می کردم فرصت کمه و دلم نمی خواست آخرین دیدارم باهاشون با دعوا و دلخوری باشه...» یا پسر 22 ساله دانشجوی کارشناسی از تهران (کد 017) در خصوص واکنش خانواده برای شادکردن فضا می گوید: «... خونواده تلاش می کرد، فضای خونه را آرام نگه دارن و برای شادنگه داشتن فضای خونه سعی می کردن و با این کارها اطمینان می دادن که شرایط بهتر میشه...».

پسر 22 ساله دانشجوی کارشناسی از تهران (کد 018) با روحیه طنز خود از یادآوری خاطرات جنگ 8 ساله و شبیه سازی آن با شرایط روز می گوید: «من خیلی بی تفاوت بودم (با خنده) و خانواده در تلاش بودند تا با تعریف اتفاقات زمان کودکی از ۸ سال جنگ من را نسبت به وقایع بیشتر آگاه کنند (یعنی بیشتر بترسم (با خنده))»

در ابراز هیجانات نامطلوب، ذیل زیرمقوله نشان دادن اضطراب والدین، دختر 22 ساله دانشجوی دوره کارشناسی از تهران می گوید: «خونوادم بیشتر صحبت می کردن... البته بیشتر از اینکه ما نگران و مضطرب باشیم، والدین مون مضطرب بودن»

در خصوص ابراز واکنش های معنوی، پسر 22 ساله، دانشجوی کارشناسی از البرز یادآوری پندهای قرآنی توسط پدرش می گوید: «... پدر به استناد به قرآن مطالبی را می فرمود و سعی در بررسی اتفاقات با دید قرآنی داشت و آرامش خاطری را به خانواده می داد.» و در مورد بی واکنشی، دختر 21 ساله دانشجوی کارشناسی از تهران از بی عملی والدین در روزهای جنگ می گوید: «...هیچی والدینم کلاً توجهی به جنگ نداشتند و تغییری هم در روال زندگیشون پیش نیومد...».

جدول 5. ارزیابی از آینده نوجوانان و جوانان تحت تأثیر جنگ

ردیف	مقولات	زیرمقولات	نمونه نقل قول ها
1	رفتارهای معطوف به خود	اصلاح مشکلات رفتاری و	«... آینده رو نمی تونم پیش بینی کنم ولی باید برای کنکور آماده بشم و کارایی که دوست دارم رو انجام بدم و مشکلات رفتاری و اخلاقی رو برطرف کنم قبل از جنگ آرزوهای بیشتری داشتم الان خیلی ساده تر شده...»

اخلاقی تلاش برای تحقق آرزوی شغلی اصلاح سبک زندگی «در آینده به امید خداوند اسرائیل نابود شده و من نیز یک کالبدشکاف حرفه‌ای تبدیل خواهم شد...» «به کم فعالیت‌های برون از خونه‌ام به‌خاطر جنگ، محدودشده! برای همین کل برنامه تابستونم بهم ریخت... ولی اوکیه. برنامه دارم سبک زندگیمو سالم‌تر کنم و از نظر عضلانی بدنمو تقویت کنم، به درسای پایه ایندم برسم، سعی کنم چندتا مهارت جدید یاد بگیرم و کار پیدا کنم»	
«دوست دارم فردی باشم که به کشورم تا پای جان خدمت کنم...» «با توکل بر خدا با همان روال سابق برنامه‌ها و اهدافم را مصمم‌تر و در راستای کمک بیش‌تر به هموطنانم انجام میدم...» «باید خوب درس بخوانم تا بتوانم به میهنم خدمت کنم...» «... سعی می‌کنم تا جای ممکن برای کشورم مفید باشم تا با چرخیدن چرخ اقتصاد کشور به طور غیرمستقیم به نیروهای دفاعی کمک کنم...» «اقداماتی مانند کمک به هموطنان کشورم به هر روشی و کمک‌کردن به همه عزیزان رو در آینده برنامه‌ریزی می‌کنم» «به گمانم تغییر مسیر چندان‌ی در مسیر زندگی و برنامه‌های شخصی، علمی و کاریم ایجاد نمی‌شود. تازه در انجام دادن بعضی کارها و همچنین افزایش توان علمی و فرهنگی شخصی و تلاش برای ایستادگی در برابر وطن مصمم‌تر می‌شدم و اولویت انجام و اهمیت برخی از کارها و برنامه‌های زندگیم تغییر می‌کرد... اگر امکان هرگونه خدمت به وطن و مردم و ایستادگی در برابر دشمن متجاوز خارجی را داشته باشم انجام می‌دهم. (علیرغم تمامی مخالفت‌های احتمالی که با حکومت دارم و انتقاد شدید به حکمرانی داخلی در شرایط جنگ تمام‌قد، حتی در صورت وجود سیاستی اشتباه، از نیروهای مسلح و سربازان وطن دفاع می‌کنم)».	۲ خدمت به جامعه رفتارهای اجتماع‌محور دفاع از کشور
«جنگ ۴۰ سال پیش مثل جنگ الان نیست و اینکه می‌بینیم و می‌شنویم بالای سرمون پهباد میاد و خنثی میشه یا اخباری ناگواری میاد حس ترس القا میشه به همه ما تو هر سن و سالی و مخصوصاً ما جوان‌ها که به چشم دیدم چقدر ضعیف میشن و بی‌انگیزه با شنیدن و دیدن این چیزها... فقط یک ذره امید و فکر مثبت برای هممون باقی مونده هیچکس دوست نداره حتی درصدی کی از هم‌وطنانش و مخصوصاً عزیزانش درصدی خدشه ببینند ما هم فقط نگاهمون به آینده است و چشم به راه یک خبری که خیال همه رو راحت کنه...» «این چند روز به‌خاطر تغییر سبک زندگی و خصوصاً وابستگی زیاد به اینترنت، یک خلای در زندگی احساس می‌کردم چون نمی‌دانستم چه کار کنم. همه کارهای من وابسته به اینترنت بود (درس، گیم، فیلم، ...) رفته رفته سعی می‌کردم راه‌های جایگزین (آفلاین) پیدا کنم یا از قبل چندین فیلم را دانلود کرده باشم و در اوقات فراغت ببینم. آدم تا در شرایط خاص قرار نگیرد نمی‌تواند فکر کند چه اقداماتی را باید از قبل انجام می‌داد ولی این اتفاق یک تجربه شد... اگر شرایط جنگی ادامه پیدا کند شرایط دانشگاه رفتن، درس خواندن و ... خیلی تغییر می‌کند. قطعاً آینده خیلی نامعلومی هست ولی این نامعلومی اون قدری نیست که احساس ناامیدی کنم.»	دوسوگرای بین بیم و امید غیرقابل پیش‌بینی ۳ نامعین و نامعلوم
«کار خاصی نمی‌کنم، شاید وارد فضای تبیینی در جامعه بشم... درس و زندگیم رو ادامه میدم...» «احتمالاً اخبار را کمتر دنبال بکنم و سعی کنم با مواردی مانند خواندن کتاب یا ورزش خود را مشغول کنم. همچنین رسیدن به کارهای عقب‌مانده که در حالت عادی فرصتی برای انجام‌شان نیست از مواردی است که دوست دارم انجام بشود... اما به طور کلی تغییر زیادی در برنامه‌هایی که از پیش داشتم ایجاد نمی‌شود. این هدف که در حیطه خود شخص توانمندی باشم و در جایگاهی که هستم، نقش خود را به درستی ایفا کنم برنامه‌ای است که به شکل آهسته و پیوسته دنبال کرده و به آن ادامه می‌دهم...» «اگر خدای نکرده ادامه‌دار باشد، کم‌کم زندگی با شیوه‌های متفاوتی به روند عادی خود باز خواهد. برای تطبیق‌پذیری بیشتر با شرایط جنگی بیشتر اوقات فراغت خود را با مطالعه و گفت‌وگو و ورزش می‌گذراندم. همچنین به صورت تخصصی بخشی از کار خود را که قابلیت انجام و اجرا دارد را از سر می‌گیرم...» «آینده خودم تغییری نکرده... برنامه‌ام آینه که کنکور بدم و در رشته مورد علاقم تحصیل کنم تا برای	پیگیری علائق شخصی گذران روال زندگی ۴

5	آینده تحت تأثیر پیامدهای منفی	اختلال در روند زندگی	«باتوجه به رشته‌ام که مهندسی کامپیوتر هست، وقتی این شرایط ادامه دار شه و اینترنت‌ها قطع شن قطعاً خیلی ضربه بزرگی به صنف ما وارد میشه و پروژه‌ها و کارها عقب می افتند...»
---	-------------------------------------	-------------------------	--

ارزیابی از آینده نوجوانان و جوانان تحت تأثیر جنگ در 5 مقوله شامل: رفتارهای معطوف به خود، رفتارهای اجتماع محور، غیرقابل پیش بینی، گذران روال زندگی و آینده تحت تأثیر پیامدهای منفی با 9 زیرمقوله دسته بندی شد.

در مقوله رفتارهای معطوف به خود، سه زیرمقوله با عنوان اصلاح مشکلات رفتاری و اخلاقی، تلاش برای تحقق آرزوی شغلی و اصلاح سبک زندگی به دست آمد. برای نمونه، دختر 16 ساله متوسطه دوم از تهران در خصوص اصلاح مشکلات رفتاری- اخلاقی خود می گوید: «... باید برای کنکور آماده بشم و کارایی که دوست دارم رو انجام بدم و مشکلات رفتاری و اخلاقیم رو برطرف کنم، قبل از جنگ آرزوهای بیش تری داشتم الان خیلی ساده تر شده..» و یا دختر 15 ساله متوسطه اول از تهران برای آینده خود قصد اصلاح سبک زندگی دارد: «یه کم فعالیت های برون از خونه ام به خاطر جنگ، محدود شده! برای همین کل برنامه تابستونم بهم ریخت... ولی اوکیه. برنامه دارم سبک زندگیمو سالم تر کنم و از نظر عضلانی بدنمو تقویت کنم، به درسی پایه ایندم برسم، سعی کنم چندتا مهارت جدید یاد بگیرم و کار پیدا کنم».

ذیل مقوله رفتارهای اجتماع محور، دو زیرمقوله با عنوان خدمت به جامعه و دفاع از کشور شناسایی شد. پسر 22 ساله دانشجوی کارشناسی از تهران با هدف خدمت به جامعه می گوید: «... سعی می کنم تا جای ممکن برای کشورم مفید باشم تا با چرخیدن چرخ اقتصاد کشور به طور غیرمستقیم به نیروهای دفاعی کمک کنم..» و یا پسر 18 ساله متوسطه دوم از مشهد در همین باره می گوید: «اقداماتی مانند کمک به هموطنان کشورم به هر روشی و کمک کردن به همه عزیزان رو در آینده برنامه ریزی می کنم».

مقوله غیرقابل پیش بینی بودن آینده با دو زیرمقوله شامل دوسوگرایی بین بیم و امید و نامعین و نامعلوم مشخص می شود. دختر 22 ساله دانشجوی کارشناسی از قزوین از بیم و امید خود به آینده می گوید: «جنگ ۴۰ سال پیش مثل جنگ الان نیست و اینکه می بینیم و می شنویم بالای سرمون پهباد میاد و خنثی میشه یا اخباری ناگواری میاد حس ترس القا میشه به همه ما تو هر سن و سالی و مخصوصاً ما جوان ها که به چشم دیدیم چقدر ضعیف میشن و بی انگیزه با شنیدن و دیدن این چیزها... فقط یک ذره امید و فکر مثبت برای هممون باقی مونده هیچکس دوست نداره حتی درصدی کی از هموطنانش و مخصوصاً عزیزانش درصدی خدشه ببینند ما هم فقط نگاهمون به آینده است و چشم به راه یک خبری که خیال همه رو راحت کنه..»

پسر 22 دانشجوی کارشناسی از البرز از پیگیری علائق شخصی ذیل مقوله گذران روال عادی زندگی می گوید: «احتمالاً اخبار را کمتر دنبال بکنم و سعی کنم با مواردی مانند خواندن کتاب یا ورزش خود را مشغول کنم. همچنین رسیدن به کارهای عقب مانده که در حالت عادی فرصتی برای انجامشان نیست از مواردی است که دوست دارم انجام بشود... اما به طور کلی تغییر زیادی در برنامه هایی که از پیش داشتم ایجاد نمی شود. این هدف که در حیطه خود شخص توانمندی باشم و در جایگاهی که هستم، نقش خود را به درستی ایفا کنم برنامه ای است که به شکل آهسته و پیوسته دنبال کرده و به آن ادامه می دهم..».

دختر 22 سال دانشجوی کارشناسی از گیلان/الاهیجان از اختلال در روند زندگی ذیل مقوله آینده ای با پیامدهای منفی صحبت می کند: «باتوجه به رشته ام که مهندسی کامپیوتر هست، وقتی این شرایط ادامه دار شه و اینترنت ها قطع شن قطعاً خیلی ضربه بزرگی به صنف ما وارد میشه و پروژه ها و کارها عقب می افتند...».

بحث و نتیجه گیری

جنگ آثار مخربی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای درگیر دارد و آسیب های روانی-اجتماعی آن بر غیرنظامیان، به ویژه زنان و کودکان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران، مطالعه پیامدهای کوتاه مدت جنگ و تنش ناشی از آن بر خانواده ها، به ویژه نوجوانان و جوانان ایرانی با رویکرد کیفی ضروری

است. این مطالعه با مصاحبه ساختارمند از ۲۴ نوجوان و جوان ایرانی، به بررسی ادراک آنان از جنگ، واکنش‌های روانی-رفتاری، نحوه مواجهه با واکنش‌های خود و دیگران، واکنش خانواده و ارزیابی آینده تحت تأثیر جنگ پرداخت.

نتایج این مطالعه نشان داد ادراک نوجوانان و جوانان از پدیده جنگ در سه گونه تفسیر هیجانی، هویت‌محور و ایدئولوژیک قابل تأمل است. سه نوع تفسیر در میان نوجوانان و جوانان ایرانی، نشان‌دهنده پیچیدگی روان‌شناختی پدیده جنگ در بستر فرهنگی ایران است. جنگ در یک لایه، اضطراب و درماندگی فردی برمی‌انگیزد؛ در لایه‌ای دیگر، همبستگی و غرور ملی را تقویت می‌کند؛ و در لایه‌ای عمیق‌تر، به یک مسئله ارزشی و ایدئولوژیک تبدیل می‌شود. این تنوع تفسیری بیانگر آن است که نوجوانان ایرانی، بسته به پیشینه روانی، جایگاه هویتی و نظام ارزشی خود، با جنگ به شیوه‌های متفاوتی مواجهه می‌شوند.

درک کودکان از جنگ پیچیده، چندوجهی و متأثر از سن، تجربیات مستقیم و شرایط درگیری است. کودکان خردسال اغلب جنگ را با سلاح و خشونت فیزیکی توصیف می‌کنند، در حالی که نوجوانان آن را بر اساس پیامدهای گسترده‌ترش درک می‌کنند. تجربه مستقیم جنگ، تصاویر روشنی از دشمن در ذهن کودکان ایجاد می‌کند و مواجهه با خشونت یا آوارگی، احتمال برداشت‌های منفی، اضطراب، ترس و کناره‌گیری عاطفی را افزایش می‌دهد (پورزانوویچ^۱، ۱۹۹۷). بااین‌حال، درک کودکان از جنگ همواره تحت تأثیر روایت‌های خانواده و جامعه شکل می‌گیرد. در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، ملیت ایرانی به‌عنوان بخش محوری هویت مورد تهدید قرار گرفت که این امر واکنش خشم و همدلی فراجناحی را در نوجوانان برانگیخت.

یافته‌ها نشان داد نوجوانان و جوانان در مواجهه با جنگ و انفجارها، واکنش‌های روانی-رفتاری چندگانه‌ای از خود نشان دادند که طیفی از پاسخ‌های منفی تا مثبت را شامل می‌شود. در سمت منفی، واکنش‌هایی همچون گوش‌بستگی، مشکلات خلقی (اضطراب، ترس، علائم جسمانی، وحشت‌زدگی و نگرانی از دست دادن عزیزان)، هیجانات دوگانه و متناقض (همزمان ترس و غرور، خشم و آرامش) و نیز خوگیری و عادی‌سازی مشاهده شد. در سمت مثبت و سازنده، خودمقاوم‌سازی شامل آمادگی برای هر پیشامد، امید و تاب‌آوری گزارش گردید. مطالعات پیشین نیز تأیید کرده‌اند که واکنش‌های نامطلوب کودکان و نوجوانان به جنگ، به‌ویژه در درگیری‌های طولانی‌مدت، امری بدیهی و طبیعی در برابر تهدید بقاست (جوشی و آدونیل، ۲۰۰۳؛ استولیارچوک و همکاران، ۲۰۲۲). بااین‌حال، درک این واکنش‌ها نیازمند توجه به بستر فرهنگی است. بر خلاف نگاه سنتی که نوجوانان را قربانیان منفعل می‌داند، برخی محققان آنان را عاملانی فعال می‌دانند که راهبردهای بقا را انتخاب کرده و ظرفیت تاب‌آوری و حتی تبدیل شدن به افرادی تمام‌عیار را دارند (دوپوی و پیترز، ۲۰۱۰؛ جونز، ۲۰۱۳؛ فراری، ۲۰۱۳؛ کلچکو، ۲۰۲۴).

یافته‌ها نشان داد نوجوانان و جوانان ایرانی برای مواجهه با واکنش‌های خود و اطرافیان در برابر جنگ، از سه الگوی اصلی استفاده می‌کنند: فاصله‌گیری از واقعیت، واکنش‌های روانی فعال و واکنش‌های معنوی. این الگوها بیانگر ظرفیت نوجوانان ایرانی برای مواجهه سازنده با تنش‌های روانی ناشی از جنگ است. رویکرد روان‌شناختی غربی به سلامت روان کودکان در مناطق جنگی، اخیراً به دلیل دیدگاه قوم‌گرایانه‌اش - که سیستم‌های اعتقادی فرهنگی محلی و همچنین عاملیت و تاب‌آوری کودکان را نادیده می‌گیرد - مورد انتقاد گسترده قرار گرفته است (دی جونگ^۲، ۲۰۰۲، فرناندو و فراری^۳، ۲۰۱۳، جونز^۴، ۲۰۱۳). مطالعات پیشین نیز تأیید کرده‌اند که کودکان و نوجوانان علیرغم قرارگرفتن در شرایط غیرانسانی جنگی، از ظرفیت عظیم تاب‌آوری برخوردارند (دوپوی و پیترز، ۲۰۱۰). مهم‌ترین مکانیسم‌های محافظتی شامل راهبردهای مقابله‌ای، سیستم‌های اعتقادی، روابط خانوادگی و دوستی‌های سالم است. ازاین‌رو، تأثیر جنگ بر نوجوانان صرفاً به آسیب‌های روانی خلاصه نمی‌شود، بلکه به شدت تحت تأثیر فرهنگ، بستر اجتماعی، سرمایه‌های روانی-اجتماعی و پیشینه قومی و تاریخی هر جامعه است؛ در فرهنگ ایرانی که با پیشینه جنگ‌های تحمیلی و ظلم‌های تاریخی همراه است، تاب‌آوری و فرهنگ مقاومت به عنوان سرمایه‌ای روانی-اجتماعی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. بنابراین، در کنار آسیب‌های جنگ، باید به ظرفیت‌های رشد پس‌آسیبی ناشی از غنای تاریخی و فرهنگی نیز توجه کرد.

^۱.Povrzanović

^۲.De Jong

^۳.Fernando & Ferrari

^۴.Jones

یافته‌های این مطالعه نشان داد خانواده‌ها در مواجهه با تنش‌های روانی ناشی از جنگ در نوجوانان و جوانان، طیفی از واکنش‌ها را از خود بروز دادند. این واکنش‌ها شامل بی‌کنشی، فاصله‌گیری از واقعیت، ابراز هیجانات نامطلوبی نظیر اضطراب و دلهره، واکنش‌های روانی فعال و واکنش‌های معنوی بود. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که قرارگرفتن در معرض جنگ می‌تواند سلامت روان والدین را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده و استرس، اضطراب و حتی اختلال استرس پس از سانحه را در آنان افزایش دهد (کانوی^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). چنین شرایطی توانایی والدین در فرزندپروری مؤثر را کاهش داده و ممکن است به کاهش صمیمیت، افزایش خشونت و حتی رفتارهای آزاردهنده فیزیکی نسبت به فرزندان منجر شود. همچنین، زندگی در محیط‌های خطرناک، والدین را به حمایت‌گری افراطی و اعمال محدودیت‌های بیش از حد در رفتار فرزندان سوق می‌دهد (سریسکانداراجا و همکاران، ۲۰۱۵). آوارگی و جابجایی ناشی از جنگ نیز ساختار خانواده و نقش‌های آن را دگرگون ساخته (فرهود^۲، ۱۹۹۹) و با کاهش دسترسی به منابع مالی، فشار مضاعفی بر والدین تحمیل می‌کند. این فشارها به نوبه خود، خصومت را افزایش و گرمی تعاملات والدین-فرزندی را کاهش می‌دهد (کانگر^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). در چنین بستری، تنش‌های جنگ از طریق تأثیر بر سلامت روان والدین، می‌تواند عواطف منفی را به فرزندان منتقل کرده و سلامت روان آنان را به مخاطره اندازد. باین‌حال، در کنار این الگوهای واکنشی نامطلوب، واکنش‌های همدلانه، آرامش‌بخش و مقاومت‌محور نیز در خانواده‌ها مشاهده می‌شود. مطالعه کربک^۴ و همکاران (۲۰۲۴) بر روی خانواده‌های لبنانی در معرض جنگ‌های متوالی نشان داد که آمادگی برای درگیری‌های پی‌درپی، نوعی تاب‌آوری در خانواده‌ها ایجاد کرده است. این ظرفیت که در قالب توانایی همیشه «برخاستن» تجلی می‌یابد، خانواده‌ها را به واکنش‌های مقاومت‌آمیز در برابر شرایط تنش‌زای بیرونی سوق می‌دهد. ارزیابی نوجوانان و جوانان از آینده خود تحت تأثیر جنگ، در پنج الگوی اصلی ظهور یافت: رفتارهای معطوف‌به‌خود، رفتارهای اجتماع‌محور، آینده غیرقابل‌پیش‌بینی، گذران روال عادی زندگی و آینده تحت تأثیر پیامدهای منفی ناشی از اختلال در روند زندگی. جنگ به ذات خود آینده‌ای نامطمئن و مختل‌کننده ایجاد می‌کند. حس عدم قطعیت ناشی از جنگ، توانایی برنامه‌ریزی برای زندگی و معیشت را به ویژه در جوانان کاهش داده، اضطراب را تشدید می‌کند و در موارد شدیدتر، به از دست‌دادن امید و احساس ناامیدی می‌انجامد. باین‌حال، رویداد جنگ افزون بر این آثار نامطلوب، مفهوم بقا و امید به زندگی را نیز در ذهن افراد به چالش می‌کشد. این چالش می‌تواند همچون یک رویداد آسیب‌زا، برخی افراد را به بازنگری درونی واداشته و زمینه‌ساز رشد پس‌آسیبی شود. رشد پس‌آسیبی به تغییر روان‌شناختی مثبتی اشاره دارد که پس از تجربه رویدادی بسیار استرس‌زا یا آسیب‌زا رخ می‌دهد و شامل تحول در ابعاد فردی یا اجتماعی است. این پدیده اغلب در افزایش قدردانی از زندگی، عمیق‌تر شدن روابط، تقویت حس قدرت شخصی، گشودگی به امکانات جدید و دگرگونی‌های معنوی یا وجودی تجلی می‌یابد. همان‌گونه که پژوهش‌ها نشان داده‌اند، تقریباً همه بازماندگان جنگ بوسنی و هرزگوین رویدادهای آسیب‌زا را تجربه کرده‌اند (روزنر و پاول^۵، ۲۰۰۶). همچنین، تجربیات تروماتیک جنگ می‌تواند واکنش‌های رفتاری و نگرشی افراد را تغییر دهد؛ برای نمونه، افرادی که ترومای جنگ را تجربه کرده‌اند، در مقایسه با افراد عادی واکنش‌های ضعیف‌تری نسبت به ضررها نشان می‌دهند (اسکوگ^۶، ۲۰۲۳). همانگونه که در مطالعه زندی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داده شد آگاهی از پدیده مرگ قادر است مسیر و آینده نوجوانان را با تدوین نقشه برای آن جهت دهد.

از سوی دیگر، ترومای جنگ به دلیل درگیرکردن یک ملت در برابر تهاجم خارجی، ظرفیت‌های همدلی، همدردی و نوع‌دوستی را در جامعه افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، انگیزه کمک و یاری‌رسانی متقابل به عنوان پاسخی تقویت‌شده در اجتماعی که همچون یک خانواده در برابر تهدید بیرونی قرار گرفته است، ظاهر می‌شود. در مجموع، جنگ اگرچه آینده‌ای نامطمئن و آکنده از پیامدهای منفی ترسیم می‌کند، اما می‌تواند به‌طور متناقض‌نمایی، زمینه‌ساز رشد پس‌آسیبی، بازنگری در اولویت‌های زندگی و تقویت همبستگی اجتماعی نیز قرار گیرد.

^۱.Conway

^۲.Farhood

^۳.Conger

^۴.Kerbage

^۵.Rosner & Powell

^۶.Skoog

این مطالعه به دلیل اجرا در روزهای جنگ ۱۲ روزه با محدودیت‌هایی مواجه بود که عبارتند از: انجام مصاحبه به صورت مجازی، استفاده از پرسش‌های ساختارمند (که امکان دسترسی به دیدگاه‌های پدیدارشناختی عمیق را محدود می‌کند)، محدودیت زمانی اجرا به روزهای خاص جنگ و شرایط استرس‌زای حاکم بر آن روزها، و داوطلب بودن شرکت‌کنندگان که ممکن است موجب سوگیری پاسخ‌ها نسبت به غیرداوطلبان شده باشد. با توجه به این محدودیت‌ها، تفسیر یافته‌ها باید با احتیاط انجام شود. با عنایت به روزهای پساجنگ و احتمال بروز مجدد آن، پایش مداوم تغییرات روانی نسل جوان و تلاش برای کاهش خطرات، یک وظیفه فوری در جنگ‌های مدرن امروزی محسوب می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

تمامی کدهای اخلاقی پژوهش اعم از کسب رضایت شرکت‌کنندگان و حفظ محرمانگی اطلاعات شرکت‌کنندگان مطابق با اعلامیه هلسینکی 1964 رعایت شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده مسئول مسئول طراحی مطالعه، اجرا، تحلیل داده و تهیه پیش‌نویس مقاله است.

تعارض منافع

نویسنده اذعان دارند که هیچ گونه تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

سپاسگزاری

از کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر قدردانی می‌شود.

منابع

زندى، سعید؛ رحیمی، علیرضا؛ موسوی‌نسل، مریم‌سادات. (1399). پیامدهای مرگ‌آگاهی در زندگی نوجوانان: یک مطالعه کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۹ (۷۶): ۲۰۹-۲۳۳

Doi: 10.29252/jcr.19.76.209

References

- Akseer, N., Wright, J., Tasic, H., Everett, K., Scudder, E., Amsalu, R., ... & Bhutta, Z. A. (2020). Women, children and adolescents in conflict countries: an assessment of inequalities in intervention coverage and survival. *BMJ global health*, 5(1).
Doi: 10.1136/bmjgh-2019-002214.
- Altawil, M. A., El-Asam, A., & Khadaroo, A. (2023). Impact of chronic war trauma exposure on PTSD diagnosis from 2006-2021: a longitudinal study in Palestine. *Middle East Current Psychiatry*, 30(1), 14.
Doi: 10.1186/s43045-023-00286-5.
- Conger, R. D., Wallace, L. E., Sun, Y., Simons, R. L., McLoyd, V. C., & Brody, G. H. (2002). Economic pressure in African American families: a replication and extension of the family stress model. *Developmental psychology*, 38(2), 179.
Doi: 10.1111/ajop.12055.
- Conway, A., McDonough, S. C., MacKenzie, M. J., Follett, C., & Sameroff, A. (2013). Stress-related changes in toddlers and their mothers following the attack of September 11. *American journal of orthopsychiatry*, 83(4), 536.
Doi: 10.1111/ajop.12055.
- De Jong, J. (Ed.). (2006). *Trauma, war, and violence: Public mental health in socio-cultural context*. Springer Science & Business Media.
- Dupuy, K., & Peters, K. (2010). *War and children: a reference handbook*. Santa Barbara; Denver; Oxford: Praeger Security International, ABC Clio.
- Farhood, L. F. (1999). Testing a model of family stress and coping based on war and non-war stressors, family resources and coping among Lebanese families. *Archives of Psychiatric Nursing*, 13(4), 192-203.
Doi: 10.1016/S0883-9417(99)80005-3 .

- Farhood, L., Zurayk, H., Chaya, M., Saadeh, F., Meshefedjian, G., & Sidani, T. (1993). The impact of war on the physical and mental health of the family: The Lebanese experience. *Social Science & Medicine*, 36(12), 1555-1567.
Doi:10.1016/0277-9536(93)90344-4.
- Fernando, C., & Ferrari, M. (Eds.). (2013). *Handbook of resilience in children of war*. Springer Science & Business Media.
- Ferrari, F. (2013). *Handbook of Resilience in Children of War*. New York; Heidelberg; Dordrecht; London: Springer.
- Gradus Research. (2024). Wartime survey of Ukrainian society / eleventh wave. Retrived at <https://gradus.app/en/open-reports/wartime-survey-ukrainian-society-eleventh-wave>.
- Jawad, M., Hone, T., Vamos, E. P., Roderick, P., Sullivan, R., & Millett, C. (2020). Estimating indirect mortality impacts of armed conflict in civilian populations: panel regression analyses of 193 countries, 1990–2017. *BMC medicine*, 18(1), 266.
Doi: 10.1186/s12916-020-01708-5.
- Jaworska, N., & MacQueen, G. (2015) Adolescence as a unique developmental period. *Journal of psychiatry & neuroscience*, 40(5), 291–293.
Doi: 10.1503/jpn.150268.
- Jones, L. (2013). *Then they started shooting: Children of the Bosnian war and the adults they become*. New York: Bellevue Literary Press.
- Joshi, P., & O'Donnell, D. (2003). Consequences of child exposure to war and terrorism. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6(4), 279–291.
Doi: 10.1023/B:CCFP.0000006294.88201.68.
- Juzoor for Healih & Social Development. (2021). The Crisis In Gaza And Impact On Adolescents July 2021 Rapid Assessment. Retrived at https://palestine.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/the_crisis_in_gaza_and_impact_on_adolescents_rapid_assessment.pdf
- Kerbage, H., Elbejjani, M., Bazzi, O., El-Hage, W., BouKhalil, R., Corruble, E., & Purper-Ouakil, D. (2024b). 'We are all children of war': a qualitative inquiry into parenting following adolescents' recent traumatic exposure in a multiple crisis setting in Beirut, Lebanon. *European Journal of Psychotraumatology*, 15(1).
Doi: 10.1080/20008066.2024.2382650.
- Klochko, A. (2024). Impact of war on the mental health of adolescents. *Baltic Journal of Legal and Social Sciences*, (1), 205-211.
Doi: 10.30525/2592-8813-2024-1-25
- Macksoud, M. (1994). Children in war. *World Health-Geneve*, 47(2), 21-23.
- Minoiu, C., & Shemyakina, O. N. (2014). Armed conflict, household victimization, and child health in Côte d'Ivoire. *Journal of Development Economics*, 108, 237-255.
Doi: 10.1016/J.Jdeveco.2014.03.003
- Povrzanović, M. (1997). Children, war and nation: Croatia 1991-4. *Childhood*, 4(1), 81-102.
Doi: 10.1177/0907568297004001005
- Rosner, R., & Powell, S. (2006). Posttraumatic Growth After War. In L. G. Calhoun & R. G. Tedeschi (Eds.), *Handbook of posttraumatic growth: Research & practice* (pp. 197–213). Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Shebanova V.I. (2021) Body-oriented techniques and methods for overcoming crisis states. *Psychological resources in the conditions of life and social crisis: social and personal dimensions: a collective monograph*. Ed. by O.E. Blinov, V.F. Kazibekova. Kherson, 253–278.
- Skoog, E. (2023). The vagaries of valuation: Post-traumatic growth and psychological responses to gains and losses. *Current Research in Ecological and Social Psychology*, 5, 100165.
Doi: 10.1016/J.Cresp.2023.100165
- Stoliarchuk O. Stoliarchuk, O., Serhieienkova, O., Khrypko, S., Prorok, N., Sychynska, M., & Lobanchuk, O (2022) Real and Virtual Space of Life Activities of Ukrainian Adolescents in War Conditions. *IJCSNS International Journal of Computer Science and Network Security*, No 22 (6), 611–619.

- Titarenko, T.M. (2018). Sposoby pidvyshchennia psykholohichnoho blahopoluchchia osobystosti, shcho perezhyla travmu (Ways to improve the psychological well-being of a person who has experienced trauma). *Psychology: Theory And Practice: A Collection Of Scientific Papers*, 112–117.
- Ukrinform. (2022). В Україні через війну травмована психіка у 75% дітей [In Ukraine, the psyche of 75% of children is traumatized by the war]. Retrieved April 30, 2026, from <https://www.ukrinform.ua/rubric-society/3473249-v-ukraini-cerez-vijnu-u-75-ditej-travmovana-psihiika.html>
- UNICEF. (2023). In Gaza, more than 700,000 children have been displaced-forced to leave everything behind. X post by UNICEF. Retrieved at <https://www.unicef.org/emergencies/children-gaza-need-lifesaving-support>.
- Wessells, M. G. (2016). Children and armed conflict: Introduction and overview. *Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology*, 22(3), 198.
- Doi: 10.1037/pac0000176.
- Wintour, P. (2023, November 10). *Gaza becoming 'a graveyard for children', says UN secretary-general*. The Guardian. Retrieved from <https://www.unicef.org/emergencies/children-gaza-need-lifesaving-support>.